



فهرست

۲ مقدمه حرام
۲ تفاوت بحث مقدمه واجب با مقدمه حرام
۲ فرق جوهری مقدمه واجب با مقدمه حرام
۳ راز تفاوت جوهری مقدمه واجب با مقدمه حرام
۳ جمع‌بندی بحث



مقدمه حرام

وارد بحث مقدمه حرام شدیم و سوال در اینجا، همان سوالی است که در مقدمه واجب بود؛ آیا حرمت از ذی المقدمه به مقدمه تسری می‌کند یا نه؟

تفاوت بحث مقدمه واجب با مقدمه حرام

این بحث با بحث مقدمه واجب، تفاوتی دارد و با اینکه در کلمات بزرگان اشاره نشده ولی مرتکز در اذهان آنها بوده است. تفاوت این دو در این است که مقدمه واجب، عقلاً محل بحث نیست زیرا وجوب عقلی مقدمه، خیلی واضح است و عقل می‌گوید: بدون مقدمه، نمی‌توان ذی المقدمه را انجام داد. از اول که وارد بحث مقدمه واجب شدیم همه اعلام کردند که اختلاف، سر وجوب شرعی مقدمه است. پس وجوب عقلی مقدمه و همچنین استحباب عقلی مقدمه مستحب، محل تردید و ابهام نیست.

در مقدمه حرام و مکروه، در مبحث اول هم اختلاف هست. یعنی اگر عقل بگوید: این کار را نکن، حرمت و کراهت این حکم عقل هم، محل اختلاف است. باید محور شرعی این بحث را از محور عقلی جدا کرد ولی در کلمات بزرگان، تفکیک نشده است. گاهی به نظر می‌رسد که بزرگان به سمت حرمت شرعی رفته‌اند و آنجا بحث می‌کنند، در حالیکه در مقدمه حرام، حق مسئله این است که اول باید حد حکم عقلی مشخص شود، سپس سراغ شرع برویم. اگرچه ظاهر بسیاری از کلمات بزرگان این است که همان محور عقلی محل بحث واقع شده است.

فرق جوهری مقدمه واجب با مقدمه حرام

وقتی خود مقدمه حرام را با مقدمه واجب بررسی کنیم، تفاوت جوهری بین این دو ملاحظه می‌شود و علت تفاوت این است که طبیعت وجوب و حرمت، متفاوت است. مولی در وجوب، امری را از عبد می‌خواهد و در حرمت، ترک یا عدم آن را خواستار است.

برای اینکه این تفاوت، واضح شود وجوب و حرمت که اراده تشریعی است را با اعمال خودمان مقایسه کنیم: اگر شخصی تصمیم گرفته که زیارت برود، باید همه مقدمات را انجام دهد ولی اگر تصمیم دارد تا فلان شهر نرود، لازمه‌اش این نیست که همه مقدمات را ترک کند. ممکن است تا دروازه برود و برگردد. اراده حضور در آن شهر متوقف است بر این که همه مقدمات را فراهم کند مثل تهیه بلیط و طی مسافت و... ولی اگر آن فعل را ترک کند و در آن شهر



حضور پیدا نکند، عدم حضور در آن شهر، متوقف بر این نیست که همه مقدمات ترک شود. ممکن است همه را بیاورد ولی آخری را نیاورد.

راز تفاوت جوهری مقدمه واجب با مقدمه حرام

سر فلسفی این تفاوت این است که وجود معلول، متوقف بر اجتماع همه معدّات و اجزاء علل است. چون اگر معلول بخواهد وجود داشته باشد، باید وجوب پیدا کند (الشیء ما لم یجب لم یوجد) و وجوب شیء به این است که همه مقدمات آماده شود. اما در ترک فعل، قانون این است که معلول، با انتفاء یکی از اجزائش منتفی می‌شود. بنابراین از ریشه که شروع کنیم می‌بینیم در اراده‌های ما نسبت به فعل و ترک، تفاوت وجود دارد و ریشه این تفاوت، دو قاعده فلسفی است:

- ۱: وجود معلول، متوقف است بر وجوب همه اجزاء و علل و مقدمات.
- ۲: در انتفاء معلول، نبودن یک جزء از مقدمات کافی است و لازم نیست که همه مقدمات نباشد. در اراده تشریعی هم این‌گونه است و اگر مولی بخواهد که مکلف، این کار را مرتکب نشود، معنایش این نیست که همه مقدمات را ترک کند، بلکه عدم فعل، به انتفاء یکی از مقدمات هم محقق می‌شود.

جمع‌بندی بحث

پس روح این بحث به این برمی‌گردد که مقدمه حرام و مقدمه واجب از اساس تفاوت دارند؛ به این معنی که وجوب عقلی مقدمه واجب، لاخلاف فیه و انما الخلاف فی وجوبه الشرعی. اما در مقدمه حرام هم وجوب عقلی و هم وجوب شرعی محل بحث است.

در فعل شخص و در اراده تکوینی، بین فعل و ترک یا شوق به انجام یا شوق به ترک، تفاوت زیاد است. وقتی می‌خواهد کاری را انجام دهد باید همه مقدمات را انجام دهد زیرا «الشیء ما لم یجب لم یوجد». ولی اگر بخواهد ترک عمل کند، متوقف بر ترک همه مقدمات نیست چون «المعلول ینتفی بانتهاء أحد أجزائه». این دو قاعده فلسفی، در اراده تشریعی هم منعکس می‌شود؛ اگر مولی بگوید: انجام بده، عقل می‌گوید: باید همه مقدمات را بیاوری و اگر مولی بگوید: ترک کن، عقل نمی‌گوید که همه مقدمات را ترک کن.